

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۴۹ تا ۶۷
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

مسئولیت کیفری صاحبان علوم غریبه

زینب سیاحی بنی طرفی^۱ دکترای تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه غیرانتفاعی
امیرالمومنین واحد اهواز، خوزستان، ایران.

عبدالباری جوانمرد زاده^۲ دکترای فقه و مبانی حقوق، دانشگاه امیرالمومنین اهواز، خوزستان،
ایران.

رحیم سیاح^۳ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه صنعت نفت اهواز، خوزستان، ایران.

چکیده

علوم غریبه عبارت است از شاخه‌هایی از دانش و علم که ذاتاً بر اصول و قوانین طبیعی و مادی استوار نبوده و بر اثر عوامل غیرطبیعی و غیرعادی شکل می‌گیرند. این علوم، برخلاف علوم طبیعی، براساس اراده و نیروهای غیرطبیعی و نامرئی عمل می‌کنند و از این رو قوانین حاکم بر آنها با قوانین عالم طبیعی و مادی متفاوت است. نمونه‌هایی از این علوم، مانند کیمیاگری و سحر و جادو، در زمان‌های گذشته بیشتر رایج بوده و بر اثر تصورات و باورهای باطل، مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در حقیقت، غریبه بودن این علوم به معنای متفاوت بودن قوانین و اصول آنها از قانونمندی‌های طبیعی است و اغلب بر اثر عوامل روحانی یا اراده‌های نامرئی در جهان اثر می‌گذارند، بدون آنکه بر مبنای قواعد علمی و تجربی قرار داشته باشند. استقبال از علوم غریبه بگونه‌ای است که قربانیان با آگاهی از متکی بودن این علوم به عوامل ماورایی، عالماً و عامداً از ساحران و صاحبان علوم غریبه کمک می‌گیرند؛ تا به اندازه‌ای که روی آوردن به علوم موردنظر، اکنون در جنگ‌های نظامی و حتی در ابطال جبهه جنگ نیز مطرح است. در همین رابطه، مسئولیت کیفری صاحبان علوم غریبه، نه در عناوین عام، بلکه در عناوین خاص، مانند کلاهبرداری، اغراء به جهل، اتلاف مال، قتل و غیره، مسئله‌ای در خور توجه است و در تحقیق حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در فقه و حقوق اسلامی، فعالیت‌های مرتبط با علوم غریبه، ممنوع و حرام اعلام شده‌اند، زیرا این علوم بر پایه اصول طبیعی و مادی استوار نیستند و اغلب به عنوان ابزاری برای فریب و کسب مال نامشروع به کار می‌روند. مسئولیت کیفری در این موارد بر عهده صاحبان این علوم است. این فعالیت‌ها مصداق "اکل مال به باطل" محسوب می‌شوند که در قرآن نیز نهی شده است. کلاهبرداری، فریب مردم با ادعای توانایی‌های ماورایی، فال‌گیری، جن‌گیری و استفاده از وسایل متقلبان، حتی با رضایت ظاهری قربانی و یا نیت دلسوزی صاحبان علوم غریبه نیز، به دلیل فریب‌کاری،

^۱ نویسنده مسئول: Zeinab.sayahi99@gmail.com

^۲ baryjavan@gmail.com

^۳ r.sayah@put.ac.ir

جرم محسوب می‌شود. ضمن اینکه مراجعه افراد آسیب‌پذیر (مانند کسانی که با مشکلات زندگی روبرو هستند یا اعتماد به نفس پایینی دارند) به این مدعیان، هر چند که بستری برای سوءاستفاده فراهم می‌کند؛ لیکن مجرم را از مسئولیت معاف نمی‌کند، چرا که آنها عامدانه و با قصد مجرمانه اقدام به فریب می‌کنند.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، علوم غریبه، جرم، مجازات، مبانی فقه امامیه، عناوین خاص شرعی

مقدمه

استفاده از علوم غریبه پدیده‌ای اجتماعی است. این پدیده که در زمان‌های سابق بسیار مورد توجه بوده و مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفته، امروزه بر اثر آگاهی و تغییر طرز تفکر مردم و برخورد منطقی با اینگونه مسائل، دیگر رغبت چندانی به اینگونه مسائل نداشته و این علوم را مشتق از اعتقادات باطل می‌دانند. مبنای همین طرز تفکر تقریباً می‌شود گفت که عناوین این علوم از میان مقررات و قوانین جزائی رخت بر بسته و غالباً از جنبه کلاهبرداری به این مسئله می‌پردازند و یا عملی که از طریق این علوم انجام گرفته را تحت سایر عناوین جزایی تحت تعقیب قرار می‌دهند. مثلاً اگر کسی در تعقیب اهداف ساحرانه یا کهنات مرتکب قتلی شود، او را تنها به عنوان قتل تحت تعقیب و مورد محاکمه قرار می‌دهند نه به عنوان ساحر و یا کاهن و...

در این بحث، شعبده و تردستی نباید جزء علوم غریبه تلقی شود، زیرا اولاً در حال حاضر این موارد در بسیاری از برنامه‌ها به عنوان برنامه‌های فانتری گنجانده می‌شود. ثانیاً اسباب و ابزار آنها به لحاظ علمی مشخص است و جنبه ماورائی ندارد و ثالثاً شعبده‌بازان مجرم تلقی نشده‌اند. همچنین، حساب ادعیه نویسانی که از کتب اسلامی و روایی استفاده می‌کنند از حساب صاحبان علوم غریبه جدا می‌گردد. پس علوم غریبه شامل جفر، سحر، رمل، طالع‌بینی، کهنات، کف‌شناسی، شمایل‌خوانی و قیافه‌خوانی، جن‌گیری، احضار روح، تله‌پاتی، ذهن‌خوانی، تسخیر ارواح و تسخیر شیاطین می‌شود. با توجه به اینکه رفتار انسانی زمانی جرم محسوب می‌شود که قانون‌گذار این رفتار را جرم شناخته باشد و برای آن کیفر مقرر نموده باشد (عنصر قانونی)؛ فعل یا ترک فعل مشخص به منصف ظهور برسد (عنصر مادی) و با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی یا معنوی). برای اینکه جرم کلاهبرداری از طریق علوم غریبه تحقق یابد باید دارای این سه عنصر تشکیل‌دهنده جرم باشد. حال مطلب در این است که آیا می‌توان افرادی را که از طریق علوم غریبه دست به اخاذی و کسب درآمد می‌نمایند را از جهت حقوق کیفری از مصادیق کلاهبرداری دانسته و آنها را تحت تعقیب قرار داد؟ مقاله حاضر، تحت عنوان «مسئولیت کیفری صاحبان علوم غریبه» در این رابطه به بحث و بررسی می‌پردازد.

۱. مبانی حقوقی جرم انگاری درآمدهای حاصل از علوم غریبه

با توجه به اینکه رمالی و فالگیری جزء علوم غریبه محسوب می‌گردد لذا جهت مطالعه مبانی حقوق کلاهبرداری از این طریق سعی در بررسی عناصر قانونی، مادی و معنوی علوم غریبه به طور

۵۱ مسئولیت کیفری صاحبان علوم غریبه (زینب سیاحی بنی طرفی، عبدالباری جوانمرد زاده، رحیم سیاح)

کلی خواهیم داشت، چرا که چنانچه اشاره شد این موارد جزئی از علوم غریبه هستند و ماده‌ی قانونی جداگانه‌ای در مورد آن دیده نمی‌شود. همچنین چنانچه پیش از این نیز اشاره شد، رمالی و فالگیری سنتی و مجازی تفاوتی با یکدیگر ندارند و مطابق قانون مجازات اسلامی، مجازات یکسان دارند لذا در این بخش با یاری گرفتن از پرونده‌های جدید و قدیم در این باب سعی در بررسی مبانی حقوقی این جرم خواهیم داشت.

۱-۱. عنصر قانونی

در بیان عنصر قانونی کلاهبرداری، ماده یک تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ «هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت ها یا تجارتخانه ها یا کارخانه ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور یا وسایل تقلبی دیگر وجوه یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصا حساب و امثال آنها را تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب می‌شود». باید به این مطلب اشاره کرد که در سوء استفاده از علوم غریبه افراد سود جو با توسل به وسائل تقلبی مانند ادوات سحر که از قبیل سنگ و استخوان و... می‌باشد موجب فریب افراد گردیده و مالی نیز در مقابل اجرت عمل خود می‌گیرند. بعنوان مثال پرونده‌ای در دادگاه صلح تهران با عنوان اینکه زنی بنام شکوفه رضا دوست، همسر یحیی فریور جاوید ساکن تهران که بنا به ادعای شوهرش سابقه بیماری روانی نداشته نزد دعانویس می‌رود. و از همان روز دچار اختلال روانی می‌شود.

شوهرش او را نزد روانپزشک می‌برد و پس از بازگشت از نزد پزشک، شکوفه با موافقت شوهرش برای استراحت به منزل برادرش می‌رود و در ساعت ۱۱ شب، پس از خوابیدن افراد خانواده، نفت چراغ خوراک پزی را بر سر خود ریخته، به توالت منزل می‌رود و خود را آتش می‌زند و پس از حدود یک ربع ساعت که سوختگی به صد درصد می‌رسد، به حیاط خانه پریده و داد و فریاد و ناله سر می‌دهد که بلا فاصله توسط برادر و همسایگان به بیمارستان سوانح سوختگی اعزام می‌گردد. در بیمارستان حال وی بسیار وخیم و در حالت اغماء بوده و در پاسخ با سؤالی که چرا خودت را آتش زدی، تنها توانست بگوید که در نتیجه خوردن دعایی که دعانویس به او داده بود، حالتش بشدت دگرگون شده و در همان حال، قصد انجام اعمال منافی عفت با وی را داشته است و پس از آن ماجرا احساس جنون می‌کرده است. بدنبال فوت این زن فرزند ۱۲ ساله وی بنام بهمن، بعنوان مطلع، اظهاراتی بیان داشت که ما حصل قسمتی از اظهارات او چنین است اسم این مرد را نمی‌دانم ولی او حدود دو ماه قبل دو مرتبه به فاصله یک هفته و هر دفعه به مدت تقریباً سه ساعت از ۹ الی ۱۲ بمنزل ما می‌آمد. او من و بچه دیگر را از اتاق بیرون کرد و گفت شما بیرون بروید تا شر شیاطین و جادو به شما اثر نکند، من از پشت شیشه، مخفیانه داخل اتاق را نگاه می‌کردم و دیدم که فالبین دستمالی را باز کرد که داخل آن مقداری استخوان و یک تکه از کفن و یک تکه از تابوت و یک قفل بود. او روبروی مادرم نشسته بود. مادرم چادر به سر نداشت ولی روسری سرش

بود. فال بین به دست‌های او و سینه اش دست می‌کشید و بعد گفت من این‌ها را می‌برم و دفن می‌کنم بعد از چند روز اگر قفل باز شد کارت درست می‌شود و اگر قفل بسته بود، تو فوت می‌کنی، و بعد کاغذی که عکس جن رویش بود، به مادرم داد و گفت آن را در آب بیانداز و به دست‌ها و صورتت بکش و یک قطره نیز از آن بخور و مادر هم این کار را کرد که حالش بهم خورد. بنابه گفته این بچه رمال دفعه اول ۱۵۰ تومان و دفعه دوم ۳۵۰ تومان از متوفا پول گرفته است. شوهر زن در بازجویی اظهار داشت: شخصی بنام سید علی موسوی که فالگیر و دعانویس و همه کاره می‌باشد، در حدود ۵۰ روز قبل به خانه من آمد و اظهار داشت طالع بین هستم و آنگاه وارد خانه شد. و همسر را طلسم نمود و قصد تجاوز به وی را داشت که باعث شد بعد از ۴ روز خانمم خودش را آتش زد و در اثر آتش سوزی فوت نمود. او در جواب این سؤال که از کجا می‌داند فال بین قصد تجاوز به همسرش را داشته است؛ جواب داد خانمم با همسایه‌ها صحبت نموده و به آنان گفته است شخصی بنام سید علی موسی، روی چند تکه کاغذ چیزهایی نوشته و به او داده اند که یکی از آنها را سوزانده و دیگری را آب زده و خورده و از حال رفته است و در این بین رمال او را لخت نموده است.

همچنین متوفا در مورد انگیزه خود به همسر برادرش گفته بود، دعانویس چیزی به من داده خوردم و بی حس شدم و او حرکات شنیعی با من انجام داد از این بابت ناراحت هستم. در ساعت ۱۲ روز ۶۱/۱/۱۹ متهم درحالی که قصد فرار داشت زمین خورده و از ناحیه مچ پا مجروح شده بود؛ دستگیر شد. این بابت ناراحت هستم. او که ۷۵ الی ۸۰ ساله، اهل شیراز و ساکن تهران بود، با اشاره به سن و سالش گفته های فرزند متوفا را تکذیب کرد و اظهار داشت من اصلاً داخل اطاق نرفته و با زن، تنها نماندم، بلکه در راهرو نشسته بودم. سؤال شد چرا برای او دعا نوشتی، پاسخ داد برای اینکه او گفت حالم پریشان است، یک دعا بنویس و بمن بده تا حالم خوب شود. متهم بنا به اظهار خودش، آلات و ادوات دعانویسی را از یک زن کولی به قیمت ۱۰ تومان خریده بود در خصوص اختلال روانی متوفی، پزشکی قانونی اعلام کرد با توجه به نسخ دارویی، او دچار ناراحتی روانی از نوع افسردگی و اضطراب بوده است. پس از پایان تحقیقات، نظریه بازپرس به این شرح اعلام شد: در تحقیقات انجام شده بوسیله اداره آگاهی و با کسب نظر پزشک قانونی، علت مرگ متوفی در اثر بیماری خاص نبوده بلکه خانم شکوفه رضادوست در اثر خود سوزی از بین رفته است و از نظر روانی نیز بیمار بوده است، شاکی در جریان تحقیقات از شکایت خود علیه سید علی، اعلام گذشت نمود. علیهذا در خصوص ادعای شاکی مبنی بر خوردن سم و یا تجاوز دلیلی در دست نیست. در مورد اخاذی از عیال شاکی و کلاهبرداری، با توجه به محتویات پرونده، بزهکاری وی محرز است و قرار مجرمیتش صادر و اعلام می‌گردد (شمسا، ۱۳۶۳، ۱۱۵-۱۱۳). در مورد پرونده مورد نظر باید اشاره نمود که آقای سیدعلی موسوی با آلات و ادواتی مانند استخوان و یک تکه کفن و یک تکه از تابوت و قفل اقدام به فریب دادن و اخذ مال از خانم شکوفه رضا دوست نموده است که در ماده قانونی کلاهبرداری به آن اشاره گردیده است.

۲-۱. عنصر مادی

در حقوق جزای امروز، تحقق مسئولیت کیفری منوط به آن است که پندار زشت و ناپسند ظهور خارجی پیدا نماید، لذا اندیشه بدی که در ضمیر انسان پنهان باشد قابل مجازات نمی‌باشد، حتی اگر انسان به نیت مجرمانه خود اقرار نماید. در جرم کلاهبرداری مرتکب باید فعل مثبت انجام دهد و ترک فعل حتی اگر توأم با سوء نیت باشد و موجب اغفال و فریب طرف مقابل و ورود ضرر به او شود، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود. به عنوان مثال اگر مراجعه کننده به یک اداره دولتی به تصور اینکه آقای «الف» مسئول دریافت وجوه مربوط به امری است، وجهی به وی پرداخت کند و «الف» نداشتن سمت را متذکر نشود و وجه را دریافت نماید نمی‌توان «الف» را کلاهبردار دانست همچنین ارتکاب فعل به تنهایی کافی نیست، بلکه افعال مرتکب باید باعث اغفال مخاطب آن شود مانند اینکه او را مغرور کند، افعال کند، بترساند و یا امیدوار کند. پس برای ارتکاب جرم کلاهبرداری از طریق علوم غریبه مانند جادوگری و... باید مخاطب آن مورد اغفال قرار گیرد بعنوان مثال برای اغفال شاکی و توسل به وسایل متقلبانه می‌توان به رأی شماره ۳۷ دیوان عالی کشور در دادنامه ۷۰/۱۰/۱۸/۸۱۹ اشاره نمود:

خلاصه پرونده: در تاریخ ۱۳۶۹/۱/۲۳ آقای «الف» به دادرسی عمومی اعلام نموده که «ب» و چند زن دیگر همسرش به نام «ج» را اغوا کرده و مقادیری وجه نقد و اموال و اثاثیه متعلق به او را به نحو متقلبانه برده و حیف و میل کرده‌اند.

شاکی در تحقیقات مقدماتی اظهار داشت همسرش به جادوگری اعتقاد داشته و از طریق بانویی به نام «د» به «ب» معرفی شده و مشتکی عنها با اغفال همسرش کلیه لوازم و اثاثیه منزل را از خانه خارج کرده و مبالغی پول هم از همسرش گرفته است. همچنین خانم «د» اعلام نموده که با نیشان به خانه زنی به نام «ب» جهت جام نشینی رفته و مبلغ پنج هزار پول به «ب» پرداخته است. متهمهٔ اجمالاً اقرار به اعمال انتسابی نموده و آقای دادیار تحقیق دادرسی .. با انجام تحقیقاتی از شاکی و متهمه و چند نفر دیگر نهایتاً در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۲۲ قرار مجرمیت «ب» را به اتهام کلاهبرداری صادر نموده که به موافقت دادرسی رسیده و در موارد سایر اطلاعات نیز قرار منع تعقیب صادر کرده است. با تنظیم کیفرخواست شماره ۶۹/۷/۳۰/۲۵۶۳ به استناد ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس درخواست مجازات متهم شده است دادگاه به موجب قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری، «ب» را به تحمل یک سال حبس تعزیری و پرداخت مبلغ شانزده میلیون و یکصد هزار ریال جزای نقدی معادل مورد کلاهبرداری محکوم نموده است.^۱

عبارت «هر کس از راه حيله و تقلب» فریب دادن مردم به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا موسسات موهوم و یا به داشتن اموال و اختیارات واهی یا ترساندن آنها از حوادث و پیش آمدهای

^۱ - رأی ۳۷، ۷۰/۱۰/۱۸/۸۱۹ صادره از دادگاه کیفری یک، بازگیر، کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا در آرای دیوان عالی کشور، ۱۳۷۶.

غیرواقع با اتخاذ اسم و عنوان محصول و غیره باید مسبوق به حيله و تقلب و متضمن یک سلسله صحنه سازی ها و مانورهای متقلبانه باشد، کلاهبردار با توسل به وسیله متقلبانه و صحنه سازی و مانور متقلبانه امری را واقعی وانمود می‌کند و مالباخته را به واقعی بودن ادعای خود متقاعد می‌کند بعنوان مثال: در اعلام شکایت شخصی بنام علی قره باقری در سال جاری از دو نفر به اسامی سید یدالله مغربی و محمد نوری که خود را جادو گر و رمال و از این قبیل خواندند مأمورین کمیته انقلاب منطقه ۱۳، اقدام به جلب ایشان نمودند. این دو نفر که هر دو بی سواد بودند به شاکی اظهار داشته بودند که او جادو شده است و یکی از جادوها را در قبر و دیگری را در حیاط دفن کرده اند و آنگاه بمنظور دفع جادو طی چند فقره صحنه سازی، مبالغی از وی اخاذی نمودند. در جریان بازجویی، متهمین اقرار بجرم نمودند و سید یدالله مغربی اظهار داشت مدت ۷ سال در زمان تیمسار بختیار بجرم قتل زندانی و ۱۸ ماه در برازجان تبعید بودم و مدت ۳۰ سال است که شغلم رمالی و جادوگری می‌باشد و از این راه زندگی خود را تأمین می‌کنم و از این مدت، ۲۰ سال است که با محمد نوری در جریان فروش دعا و کلاهبرداری شریک هستم و در جریان اخاذی مبلغ ۱۰۷۳۰ ریال از آقای قره باقری نیز با محمد نوری شریک بودم و در منزل وی اقدام به صحنه پردازی می‌نمودیم. محمد نوری نیز اظهاراتی از این قبیل بیان داشت و اعلام نمود بعلت بیکاری از این طریق امرار معاش می‌کند. دادگاه با انطباق مورد به ماده ۳ آیین نامه امور خلاقی (بند ۱۸) و با توجه به ماده ۱۲ قانون مجازات عمومی، هر یک از متهمین را به دو هزار ریال جزای نقدی محکوم کرد (پرونده کلاسه ۳۰۵۶۱/۱۴ شعبه ۱۴ دادگاه صلح تهران). با توجه به مثال مذکور می‌توان به استفاده از حيله و تقلب و صحنه سازی اشاره نمود که در این کلاهبرداری آقای سید یدالله و محمد نوری با استفاده از عنوان جعلی جادو گر و رمال و با استفاده از صحنه سازی آقای قره باقری را فریب داده و از او اخاذی نموده اند زیرا مالباخته را به واقعی بودن ادعای خود متقاعد می‌نمایند. با توجه به این که احصای وسایل تقلبی ممکن نمی‌باشد، قانون گذار مصادیق مشهور و متداول در زمان وضع قانون را نام برده است و با آوردن عبارت «وسایل تقلبی دیگر» مصادیق جدید را نیز مشمول این حکم قرار داده است. وسایل پیش بینی شده در قانون، دو نوع معین و نامعین است. منظور از تقلبی وسایل متقلبانه‌ی معین، به کار بردن اسم و عنوان غیر واقعی در کلاهبرداری ساده و عنوان و سمت مجعول مأموریت از طرف ارگان های دولتی و قوای سه گانه در کلاهبرداری مشدد است اختیار هر یک از وسایل متقلبانه ی مذکور، به تنهایی و مستقل از هر مانور دیگری به شرط اغفال مخاطب و تسلیم مال از سوی او، جرم را محقق می‌سازد. بدیهی است که کار برد وسایل مذکور نباید به شیوه‌ای باشد که خلاف واقع بودن آنها به راحتی قابل تشخیص باشد و هر فرد معمولی به آسانی بی اساس بودن آن را درک نماید، و منظور از مسائل وسایل متقلبانه‌ی نامعین که غالب وسائلی که در کلاهبرداری از طریق علوم غریبه نیز از این نوع است مانورهای متقلبانه می‌باشد و قانونگذار بدون ارائه ی تعریف، مصادیق مشهور این مانورها را از باب تمثیل بیان کرده است. مانور متقلبانه ترکیب اعمال خارجی و اسباب چینی همراه با مهارت خاصی است که «حيله ماهرانه» نیز نامیده شده و آن اقدامات نمایشی است که به قصد شکل

۵۵ مسئولیت کیفری صاحبان علوم غریبه (زینب سیاحی بنی طرفی، عبدالباری جوانمرد زاده، رحیم سیاح)

مادی دادن به فریب صورت می‌گیرد تا به امور خلاف واقع، ظاهری واقعی بپوشاند. برای تحقق مانور متقلبانة نیز اقدامات مثبت لازم می‌باشد و مجرد دروغ، ترک فعل، سکوت و امتناع از بیان واقعیت کافی نیست (عبدالله پور حسینی یحیی پور، ۱۳۹۲، ۲۵).

۱-۳. عنصر معنوی

سومین عنصر مورد نیاز برای تشکیل این جرم عنصر روانی می‌باشد که در آن مرتکب رفتاری را که طبق قانون جرم شناخته شده است با « قصد مجرمانه » انجام داده و یا در انجام آن رفتار « خبط و تقصیری کیفری » است. به بیان دیگر، عنصر معنوی رابطه روانی بین مجرم و رفتار ارتكابی است.

لذا از عبارت « هر کس از راه حيله و تقلب و... » در ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری، بیان کننده عنصر روانی جرم کلاهبرداری می‌باشد مانند وسائلی که در مثال اول ذکر گردید. مانند قفل و تکه‌ی کفن و تکه‌ی تابوت و... که افراد مذکور این وسائیل متقلبانة را با سوء نیت و قصد اخاذی و فریب مخاطب خود مورد استفاده قرار می‌دهند و از تقلبی بودن وسیله جرم نتیجه می‌گیریم که کلاهبرداری از جرائم عمدی است و از خطا و سهل انگاری ناشی نمی‌شود. برای تحقق جرم مذکور، افزون بر سوء نیت عام (قصد توسل به وسائیل متقلبانة) باید سوء نیت خاص (قصد بردن مال غیر) هم وجود داشته باشد، کلاهبردار عالم به تقلبی بودن وسیله باشد و متهم از تقلبی بودن آن اطلاع نداشته باشد، مانند مثال اول، در صورت فقدان قصد جرم عمدی نخواهد بود (آهنگران، ۱۳۹۸، ۱۱-۴).

اگر فرد با تهدید و ارعاب اقدام به گرفتن مال کند، عمل او در دسته اخاذی قرار می‌گیرد که مجازات سنگینی دارد و معمولاً شامل حبس و جزای نقدی می‌شود. میزان حبس و جزای نقدی نیز متناسب با میزان مال اخاذی شده و شدت تهدید متغیر است.

اگر فرد با فریب و اغفال افراد و با سوءاستفاده از باورهایشان در حوزه علوم غریبه (مانند رمالی، جن‌گیری، طلسم‌شکنی و...) اقدام به گرفتن مال کند، عمل او در چارچوب کلاهبرداری جای می‌گیرد. مجازات کلاهبرداری نیز شامل حبس و جزای نقدی است و بسته به میزان مال و تعداد قربانیان می‌تواند متغیر باشد. در این موارد، حتی اگر هیچ تهدیدی هم صورت نگیرد، صرف فریب افراد برای به دست آوردن مال، جرم تلقی می‌شود. می‌توان به تفاوت جرم اخاذی با برخی دیگر از عناوین مجرمانه مشابه پی برد؛ از جمله سرقت مقرون به آزار (موضوع ماده ۶۵۲ «ق. ت» ۱۳۷۵) (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۴، ۳).

نکته مهم این است که سیستم‌های قضایی به هیچ عنوان ادعاهای مربوط به علوم غریبه را به عنوان توجیهی برای کسب درآمد مشروع نمی‌پذیرند. به عبارت دیگر، ادعای توانایی در این حوزه‌ها، فرد را از مسئولیت کیفری اخاذی یا کلاهبرداری مبرا نمی‌کند. هدف قانون، حمایت از افراد در برابر سوءاستفاده و حفظ نظم عمومی است و از این رو، هرگونه عملی که منجر به فریب یا اجبار افراد برای گرفتن مال شود، فارغ از پوشش "علوم غریبه"، قابل پیگرد قانونی است و مجازات خواهد داشت.

دریافت پول توسط مدعیان علوم غریبه، که با وعده‌های دروغین حل مشکلات، درمان بیماری، بخت‌گشایی و پیش‌گویی آینده انجام می‌شود، شکلی رایج و مخرب از سوءاستفاده است. این پدیده مصداق کلاهبرداری و بهره‌برداری از ناامیدی، جهل و نیازهای عاطفی افراد است و بررسی آن ابعاد حقوقی، روانشناختی و اجتماعی دارد. این افراد با ادعاهای دروغین و بزرگنمایی توانایی‌های خود، اعتماد مراجعه‌کنندگان را جلب می‌کنند. روش‌های فریب شامل ادعای قدرت‌های ماورایی نظیر ارتباط با اجنه و ارواح، پیش‌بینی آینده یا درمان بیماری‌های لاعلاج است. همچنین با ایجاد ترس از خرافاتی مانند "چشم زخم" یا "طلسم سیاه"، مراجعه‌کننده را وادار به پرداخت پول می‌کنند. این مدعیان از نیازهای عاطفی و اجتماعی افراد سوءاستفاده کرده و با وعده‌های پوچ، از مشکلات عاطفی، مالی یا خانوادگی افراد بهره‌برداری می‌کنند. برخی نیز با استفاده از اصطلاحات شبه‌علمی، به فعالیت‌های خود جنبه‌ای منطقی می‌بخشند، در حالی که هیچ پایه علمی ندارند. قربانیان این فریب‌ها اغلب به دلیل ناامیدی از راه‌حل‌های منطقی، باورهای سنتی و خرافی، ضعف روحی و روانی، و ترس از قضاوت اجتماعی به این افراد روی می‌آورند. این بستر مشترک از فریب و آسیب‌پذیری، محیطی مناسب برای ارتکاب جرم کلاهبرداری فراهم می‌کند، جرمی که در آن با استفاده از حيله و تقلب، مال دیگری به دست می‌آید.

در قوانین ایران، دریافت پول توسط مدعیان علوم غریبه مصداق بارز کلاهبرداری است. بر اساس ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، هر کس با حيله و تقلب، مردم را فریب دهد یا به امور غیرواقع امیدوار کند یا از حوادث غیرواقعی بترساند و از این طریق مالی را ببرد، کلاهبردار محسوب می‌شود. قانون تشدید مجازات، همچون قوانین گذشته (۱۳۳۵ ه ق، ۱۳۶۱، ۱۳۵۲، ۱۳۰۴) مرز بین تقلب مدنی و کیفری از هم تمییز نداده است، بلکه پس از آوردن مصادیقی همچون، شرکت‌ها یا تجارت‌خانه‌های موهوم، داشتن اموال و اختیارات واهی و ... به نحو کلی از عبارت «یا وسایل تقلبی دیگر» سخن گفته است (فرح‌بخش، ۱۳۸۸، ۴)؛ بنابراین عناصر اصلی این جرم در فعالیت مدعیان علوم غریبه به وضوح دیده می‌شود: توسل به وسایل متقلبانه از طریق ادعای توانایی‌های ماورایی و نمایش‌هایی مانند فال‌گیری و جن‌گیری؛ اغفال قربانی که به دلیل این فریب‌ها، فرد مدعی را توانمند می‌پندارد؛ رضایت ظاهری و غیرواقعی قربانی به تسلیم مال به دلیل باور غلط که مشکلش حل خواهد شد؛ و در نهایت، بردن مال دیگری شامل پول یا اموال دیگر.

مجازات کلاهبرداری در ایران شامل حبس و جزای نقدی است و در صورت انجام کلاهبرداری به صورت گروهی یا با سوءاستفاده از عناوین خاص، مجازات تشدید خواهد شد.

در راستای بررسی دقیق‌تر مبانی حقوقی جرم‌انگاری درآمدهای حاصل از علوم غریبه، به ویژه دعانویسی، لازم است به رأی شماره ۹۱۰۹۹۸۵۸۴۳۱۰۰۵۶۴ صادره در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۳ از شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور اشاره نمود. این پرونده مربوط به خانم ق. ح. ر. است که بر اساس دادنامه شماره ۷۵۲-۱۳۹۱/۸/۴ صادره از شعبه ۱۰۳ دادگاه عمومی جزایی شهرستان ب.، به اتهام کلاهبرداری از طریق دعانویسی موضوع شکایات خانم‌ها س. ر. و دیگران، مجرم شناخته

۵۷ مسئولیت کیفری صاحبان علوم غریبه (زینب سیاحی بنی طرفی، عبدالباری جوانمرد زاده، رحیم سیاح)

شده بود. دلایل احصایی در متن رأی بدوی، منجر به محکومیت وی به استناد تبصره یک ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری به تحمل یک سال حبس و پرداخت مبلغ هفده میلیون و نهصد هزار ریال جزای نقدی (معادل وجوه مأخوذه از شکات که به نامبردگان مسترد نموده) گردید. وکیل خانم ق. ح. ر.، آقای د. ح.، به رأی صادره اعتراض و تجدیدنظرخواهی نمود و شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان خراسان شمالی طی دادنامه شماره ۱۰۸۹-۱۳۹۱/۱۱/۱۵ با رد تجدیدنظرخواهی، دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید کرد. محکوم علیها پیش از این نیز یک بار درخواست اعاده دادرسی مطرح کرده بود که درخواست ایشان به شرح دادنامه شماره ۳۶۱-۱۳۹۲/۴/۱۸ صادره از شعبه بیست و چهارم دیوان عالی کشور مردود اعلام شده بود. با این حال، نامبرده مجدداً با تقدیم لایحه‌ای درخواست اعاده دادرسی نمود. در این لایحه، وی ادعا کرد که بر اساس استشهادیه محلی پیوست، مرتکب جرمی نشده و آقای م. ک. که مدت‌هاست با همسرش اختلاف دارد، علیه وی توطئه کرده است. خانم ق. ح. ر. در دفاع از خود بیان داشت که دعانویس و رمال نیست و شکات که از پدر و جد او شناخت داشتند به وی رجوع کرده‌اند و او صرفاً آنان را به دعا‌هایی از کلام‌الله مجید و مفاتیح‌الجنان توصیه نموده است. وی همچنین اظهار داشت که طبق عرف پدری، درخواست وجه نمی‌کرده و خود شکات با میل و رغبت، اجرت قلم می‌دادند. وی در ادامه، آقای م. ک. را متهم کرد که با وعده پنج میلیون تومان، شکات را علیه او تحریک کرده است و مدعی شد که شکات اظهار ندامت و پشیمانی کرده و اعلام رضایت نموده‌اند. نکته حائز اهمیت دیگری که متقاضی اعاده دادرسی به آن اشاره کرد، رأی مشابهی بود که شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی شهرستان ج. در مورد شکایت خانم آ. از وی صادر کرده بود (دادنامه شماره ۵۷۴-۱۳۹۱/۸/۱۱). در آن پرونده، دادگاه عمومی جزایی حکم بر برائت او صادر کرده بود. خانم ق. ح. ر. همچنین به فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی در کتاب اجوبه الاستفتاءات، مسئله ۱۴۳۲، استناد کرد که بر اساس آن، دریافت و پرداخت اجرت نوشتن دعا‌های وارده اشکالی ندارد و با این استدلال که موضوع آراء صادره در دادگاه‌های ج. و ب. یکی بوده و برای یک اتهام مشابه آراء متعارض و متفاوت صادر شده است، از ریاست محترم دیوان عالی کشور درخواست تجویز اعاده دادرسی نمود. پرونده پس از ارجاع به شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور و قرائت گزارش عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده، مورد مشاوره قرار گرفت. شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور در خصوص درخواست اعاده دادرسی خانم ق. ح. ر. نسبت به دادنامه شماره ۱۰۸۹-۱۳۹۱/۱۱/۱۵ صادره از شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان خ.، با امعان نظر به محتویات پرونده، رأی خود را صادر نمود. دیوان عالی کشور در رأی خود، نظر به اینکه دعانویسی از جمله اعمال متقلبانه نمی‌باشد تا دریافت وجه از این بابت کلاهبرداری محسوب شود، اقدام به تجویز اعاده دادرسی کرد. در تأیید این دیدگاه، دیوان عالی کشور به فتوای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در کتاب اجوبه الاستفتاءات، مسئله ۱۴۳۲، استناد نموده که دریافت یا پرداخت مبلغی را به عنوان اجرت نوشتن دعا‌های وارده بلاشکال دانسته است. همچنین با عنایت به اینکه مشارالیه‌ها به شرح دادنامه شماره ۵۷۴-۱۳۹۱/۸/۱۱ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی شهرستان

ج. از اتهام مشابه در رابطه با شکایت شاکی دیگر به لحاظ جرم نبودن عمل ارتكابی تبرئه گردیده است، و با توجه به اینکه بررسی مجدد موضوع از جهت احتیاط قضایی در احراز بی‌گناهی متقاضی ممکن‌التأثیر می‌باشد، لذا مستنداً به بند چ ماده ۴۷۴ و ماده ۴۷۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، ضمن تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی مجدد به یکی از شعب هم‌عرض دادگاه صادرکننده رأی مورد درخواست اعاده دادرسی در استان خ. ارجاع می‌گردد. این رأی نشان می‌دهد که در مواردی خاص، دعانویسی به خودی خود ممکن است مصداق کلاهبرداری تلقی نشود، مشروط بر آنکه فریب و استفاده از وسایل متقلبانه (مانور متقلبانه) احراز نگردد و صرفاً دریافت اجرت برای نوشتن دعا باشد که بر اساس فتوای شرعی نیز اشکالی ندارد.^۱

این رأی یک نقطه عطف مهم در تفکیک دعانویسی مشروع از کلاهبرداری محسوب می‌شود، چرا که با وجود محکومیت بدوی و تأیید آن در تجدیدنظر مبنی بر کلاهبرداری از طریق دعانویسی و دریافت وجه، دیوان عالی کشور با تجویز اعاده دادرسی، موضع متفاوتی اتخاذ کرده است. خانم ق. ح. ر. که در مراحل پیشین به یک سال حبس و پرداخت جزای نقدی محکوم شده و حتی درخواست اعاده دادرسی قبلی‌اش نیز رد شده بود، با لایحه‌ای جدید و استناد به استشهادیه محلی، اظهار ندامت شکات، و رأی برائت در پرونده‌ای مشابه، همچنین فتوای رهبر معظم انقلاب مبنی بر بلاشکال بودن دریافت اجرت برای نوشتن دعاها و آمده، مجدداً درخواست اعاده دادرسی کرد. دیوان عالی کشور با توجه به این استدلال که "دعانویسی از جمله اعمال متقلبانه نمی‌باشد تا دریافت وجه از این بابت کلاهبرداری محسوب شود" و با اشاره به فتوای شرعی و همچنین وجود رأی برائت در پرونده مشابه، به دلیل احتیاط قضایی و احتمال بی‌گناهی متقاضی، اعاده دادرسی را تجویز کرد. این تصمیم نشان‌دهنده آن است که صرف دعانویسی و دریافت اجرت برای آن، بدون احراز عناصر فریب و مانور متقلبانه، ممکن است مصداق کلاهبرداری نباشد و تفکیک مهمی بین دعانویسی مشروع (که صرفاً شامل نوشتن ادعیه و دریافت اجرت آن است) و دعانویسی همراه با حيله و فریب (که منجر به کلاهبرداری می‌شود) ایجاد می‌کند.

۲. مجازات تهدید و افشای اطلاعات شخصی مراجعین توسط فعالان علوم غریبه

در دنیای امروز، تهدید به افشای اطلاعات شخصی، به‌ویژه از سوی کسانی که اعتماد افراد را جلب کرده‌اند، جرمی سنگین با پیامدهای روانی و اجتماعی وخیم است. این موضوع زمانی پیچیده‌تر می‌شود که پای علوم غریبه به میان آید. افراد در مواجهه با مشکلات شخصی، ناامیدی یا باورهای متافیزیکی، به مدعیان این حوزه مراجعه می‌کنند و در موقعیت آسیب‌پذیری خاصی قرار می‌گیرند. این مدعیان با ادعای حل مشکلات یا پیش‌گویی، اطلاعات خصوصی و حساسی از مراجعان به دست می‌آورند که می‌تواند دستمایه سوءاستفاده‌های آتی قرار گیرد. اعتماد شکل‌گرفته در این فضای پنهان‌کارانه، به راحتی می‌تواند منجر به تهدید و اخاذی شود، زیرا

^۱ - ر. ک: سامانه ملی آراء قضایی، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۴/۵/۸، قابل دسترسی در آدرس زیر:

<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/30094>

مراجعه‌کنندگان برای جلوگیری از آبروریزی، ممکن است تسلیم خواسته‌های فرد تهدیدکننده شوند.

قوانین جمهوری اسلامی ایران، تهدید و افشای اطلاعات شخصی را، به خصوص اگر با قصد اخذی یا ورود ضرر باشد، جرم می‌داند و مجازات‌های مشخصی برای آن در نظر گرفته است:

۱. تهدید (ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی): هرگونه تهدید به افشای سر یا اطلاعات

شخصی فرد یا بستگان او، حتی اگر منجر به اخذی نشود و صرفاً برای ایجاد ترس باشد، جرم محسوب می‌شود و مجازات‌هایی نظیر شلاق یا حبس دارد.

۲. اخذی و کلاهبرداری (مواد ۶۵۱ و ۱ قانون تشدید مجازات): اگر تهدید به افشای

اطلاعات با هدف کسب مال یا منفعت صورت گیرد، علاوه بر جرم تهدید، مصداق بارز اخذی است که مجازات سنگینی از جمله حبس طولانی‌مدت و جزای نقدی دارد.

همچنین، اگر فرد از ابتدا با وعده‌های دروغین و فریب، اطلاعات را به دست آورده و سپس برای اخذی از آنها استفاده کند، در چارچوب کلاهبرداری نیز قرار می‌گیرد.

۳. نقض حریم خصوصی و انتشار اطلاعات (قانون جرایم رایانه‌ای): در صورتی که اطلاعات

شخصی در فضای مجازی منتشر شود، حتی بدون تهدید مستقیم، مشمول ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای شده و مجازات‌هایی را در پی دارد.

۴. سوءاستفاده از ضعف نفس: اگرچه به طور مستقیم جرم نیست، اما سوءاستفاده از ضعف

نفس یا نیاز عاطفی مراجعان به عنوان عاملی تشدیدکننده مجازات در نظر گرفته می‌شود.

مبنای جرم‌انگاری این رفتار و ممنوعیت افشای اسرار مردم، حمایت از تمامیت معنوی و حیثیت اشخاص است (علی اصغرزاده، ۱۴۰۰، ۳). قربانیان اغلب دچار استرس، اضطراب شدید، افسردگی،

احساس شرم و گناه، کاهش اعتماد به نفس و انزوا می‌شوند. ترس از افشای رازها، زندگی روزمره آن‌ها را مختل کرده و می‌تواند به افکار خودکشی نیز منجر شود. احساس خیانت، زخم عمیقی بر

روان قربانی می‌گذارد. افشای اطلاعات حساس می‌تواند به آبروریزی، طرد اجتماعی، از دست دادن شغل، مشکلات خانوادگی و فروپاشی روابط منجر شود. جامعه‌ای که در آن حریم خصوصی

تضمین نشود، دچار بی‌اعتمادی و ناامنی خواهد شد. قربانی ممکن است متحمل ضررهای مالی ناشی از اخذی و همچنین هزینه‌های پیگیری قانونی و درمان‌های روانی شود.

۳. مجازات اغفال و تعدی به زنان توسط فعالان علوم غریبه

پدیده سوءاستفاده از زنان آسیب‌پذیر توسط فعالان علوم غریبه، معضلی جدی است که در آن، اغفال و تعدی به دلیل ماهیت پنهان روابط، اثبات جرم را دشوار می‌کند. تحلیل این موضوع

نیازمند بررسی دقیق ابعاد حقوقی، اجتماعی و روانشناختی آن است. زنان به دلیل شرایط خاص زیست‌شناختی و اجتماعی به عنوان افراد بالقوه آسیب‌پذیرتر یا کم‌توانتر از مردان، اهداف

مطلوبی برای بزهکاران به حساب می‌آیند. بر اساس یافته‌های جرم‌شناسی، بزهکاران معمولاً قربانیان خود را از میان اقشاری بر می‌گزینند که ارتکاب جرم بر روی آنها دارای خطر و هزینه‌ی

کمتری باشد؛ بنابراین، جنسیت را می‌توان از عوامل مهم آسیب‌پذیری افراد محسوب کرد (رایجیان اصلی و زکوی، ۱۳۹۰، ۵۴) و البته اینکه در حوزه علوم غریبه، این مسأله نمود بیشتری پیدا می‌کند. اغفال در این بستر به معنای فریب دادن زنان از طریق سوءاستفاده از نیازها و آسیب‌پذیری‌های روحی و روانی آن‌هاست. زنانی که با مشکلاتی چون مسائل خانوادگی، عاطفی، مالی یا بیماری مواجه هستند، به این افراد مراجعه می‌کنند. فعالان علوم غریبه با ادعاهای دروغین مانند بخت‌گشایی، بازگرداندن معشوق، درمان بیماری‌ها یا پیش‌گویی، اعتماد این زنان را جلب کرده و زمینه را برای سوءاستفاده‌های بعدی، از جمله تعدی جنسی، فراهم می‌کنند.

تعدی جنسی در این چارچوب، شامل هرگونه آزار جنسی، از لمس‌های ناخواسته تا تجاوز کامل است. ویژگی متمایز این نوع تعدی این است که قربانی نه تنها فریب خورده، بلکه ممکن است به دلیل باورهای خرافی یا ترس از عواقب مآورایی ادعا شده توسط متجاوز (مانند "اثر منفی طلسم" یا "جن‌زدگی")، قادر به مقاومت یا افشاگری نباشد. متجاوز با تلقین اینکه اعمال جنسی بخشی از "درمان" یا "آیین خاص" است، قربانی را در وضعیت اجبار روانی قرار می‌دهد، که این امر اثبات جرم را پیچیده‌تر می‌کند، زیرا فقدان مقاومت فیزیکی ممکن است به اشتباه رضایت تفسیر شود.

در قوانین ایران، اغفال و تعدی جنسی به زنان، جرم محسوب شده و مجازات‌های سنگینی دارد، حتی اگر ماده قانونی مستقیمی به "اغفال و تعدی توسط فعالان علوم غریبه" اشاره نکند:

۱. زنا به عنف (تجاوز جنسی): بر اساس ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی، در مواردی که اغفال به حدی باشد که رضایت واقعی و آگاهانه از بین برود و قربانی به دلیل فریب یا تأثیرات روانی ناشی از تلقینات متجاوز قادر به مقاومت نباشد، عمل جنسی می‌تواند در حکم زنا به عنف تلقی شود که مجازات آن اعدام است.

۲. آزار و اذیت جنسی: اگر تعدی به تجاوز کامل نرسد، اما شامل لمس‌های ناخواسته، درخواست‌های جنسی یا هرگونه آزار جنسی باشد، طبق ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و سایر مواد مربوط به اعمال منافی عفت، مجازات‌هایی نظیر حبس و شلاق در پی دارد.

۳. کلاهبرداری و اغفال: اگر اغفال اولیه با هدف کسب مال یا منفعت (مانند دریافت هزینه‌های گزاف برای "طلسم‌شکنی") صورت گرفته و سپس منجر به تعدی جنسی شود، فرد متهم می‌تواند علاوه بر اتهامات جنسی، به جرم کلاهبرداری نیز محاکمه شود که مجازات آن حبس و جزای نقدی سنگین است.

۴. سوءاستفاده از ضعف نفس: سوءاستفاده از آسیب‌پذیری روانی قربانی، اگرچه جرم مستقل نیست، اما می‌تواند به عنوان عاملی تشدیدکننده مجازات در نظر گرفته شود، به ویژه وقتی قربانی به دلیل باورهای خرافی یا اضطراب روانی قادر به دفاع از خود نبوده است.

۵. جرم رابطه نامشروع: در برخی موارد، اگر عمل جنسی با رضایت ظاهری (اما نه آگاهانه و واقعی) صورت گیرد و به حد زنا نرسد، می‌تواند تحت عنوان رابطه نامشروع (ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی) پیگیری شود، اگرچه در این پرونده‌ها اغلب به دلیل وجود فریب یا

اکراه معنوی، جرم سنگین‌تری مد نظر است. اغلب این اعمال در خفا و بدون شاهد صورت می‌گیرد. قربانیان نیز به دلیل ترس از آبروریزی، شرم یا تهدیدات متجاوز، ممکن است در افشاگری یا همکاری با مراجع قضایی تردید کنند. این امر، اثبات جرم را دشوار می‌سازد و نیازمند بررسی دقیق شواهد، شهادت قربانی و سایر ادله است. باورهای خرافی می‌توانند در مسیر پرونده هم برای قربانی و هم برای برخی مسئولان قضایی ایجاد چالش کنند؛ بنابراین، آموزش قضات و ضابطان قضایی در این زمینه ضروری است. در نهایت، مجازات اغفال و تعدی به زنان توسط فعالان علوم غریبه در قوانین ایران شدید و قاطع است. اما اثربخشی این مجازات‌ها به آگاهی عمومی، شجاعت قربانیان در افشاگری و رویکرد صحیح و حمایتی مراجع قضایی بستگی دارد. این پدیده نه تنها یک جرم فردی، بلکه یک آسیب اجتماعی است که مقابله با آن نیازمند رویکردی چندوجهی از سوی نهادهای قانونی، فرهنگی و اجتماعی است.

برای برون رفت از پراکندگی در استفاده از تعبیر و الفاظ، قانونگذار بایستی با تعیین معیار عرفی ماهیت جنسی خشونت آن هم در چارچوب آزادیهای فردی و اجتماعی و متناسب با شرایط و ارزش‌های فرهنگی جامعه، در قالب ارائه تعاریف یا احصاء مصادیق قانونی اقدام نماید (نیک نژاد و همکاران، ۱۴۰۳، ۷).

۴. نقش عدم اعتماد به نفس در وقوع جرایم علوم غریبه و چگونگی طرح شکایت

عدم اعتماد به نفس یکی از دلایل اصلی است که افراد را به سمت مدعیان علوم غریبه سوق می‌دهد و متأسفانه زمینه را برای سوءاستفاده‌های مجرمانه این افراد فراهم می‌کند. زمانی که فردی در زندگی خود با مشکلات روبرو می‌شود و توانایی حل آن‌ها را در خود نمی‌بیند، یا در روابط شخصی و شغلی خود دچار تردید است، بیشتر در معرض وعده‌های فریبنده و راه‌حل‌های به ظاهر آسان و ماورایی قرار می‌گیرد عدم اعتماد به نفس حالتی روانی است که در آن فرد ارزش و توانایی‌های خود را دست کم می‌گیرد، در تصمیماتش مردد است و خود را ناکافی یا ناتوان می‌بیند (حاجی حسنی دره سوری، ۱۴۰۱، ۲).

این ویژگی، چالش‌هایی جدی در زندگی فرد ایجاد می‌کند و در زمینه مراجعه به مدعیان علوم غریبه به شکل‌های زیر بروز می‌کند:

افراد با اعتماد به نفس پایین اغلب به دنبال نیرویی بیرونی هستند که مشکلاتشان را حل کند. آنها به جای تکیه بر توانایی‌های خود یا یافتن راه‌حل‌های منطقی، به دنبال "جادو" یا "دعای" کسی می‌گردند که ادعای قدرت‌های ویژه دارد. مدعیان علوم غریبه دقیقاً همین نقش را بازی می‌کنند و خود را به عنوان منجی یا دارای قدرت‌های خارق‌العاده معرفی می‌کنند.

در مسائل عاطفی، شغلی یا تحصیلی، این افراد به شدت به دنبال تأیید و تضمین موفقیت هستند. آنها از وعده‌هایی مانند "بخت‌گشایی" یا "بازگشت معشوق" استقبال می‌کنند، زیرا خود را قادر به کنترل سرنوشت نمی‌دانند. مدعیان علوم غریبه با وعده‌های مطلق و بدون ریسک، این نیاز را هدف قرار می‌دهند.

مشکلات شخصی که اغلب منجر به مراجعه به این افراد می‌شود، ممکن است برای فرد شرم‌آور باشد. افراد با اعتماد به نفس پایین از قضاوت جامعه می‌ترسند و تمایل دارند مشکلاتشان را به صورت پنهانی حل کنند. این نیاز به پنهان‌کاری، آنها را به سمت افرادی سوق می‌دهد که ادعا می‌کنند محرم اسرار هستند و مشکلات را بی‌صدا حل می‌کنند، که همین فضای پنهان بهترین بستر برای سوءاستفاده‌های مجرمانه است. افراد با اعتماد به نفس پایین معمولاً قدرت تحلیل و تفکر انتقادی کمتری دارند و به سادگی تحت تأثیر تلقین قرار می‌گیرند (همان، ۴).

مدعیان علوم غریبه با استفاده از تکنیک‌های روانشناسی و تلقین، و با بهره‌گیری از ضعف نفس قربانی، آنها را متقاعد می‌کنند که مشکلاتشان ریشه در "نیروهای ماورایی" دارد و تنها خودشان قادر به حل آنها هستند. این تلقین‌ها، زمینه را برای انواع جرایم، از کلاهبرداری مالی تا اغفال و آزار، فراهم می‌کند. قربانی در این وضعیت، ممکن است حتی در برابر خواسته‌های غیرمنطقی یا غیراخلاقی مقاومت نکند، زیرا باور دارد این اعمال بخشی از "درمان" است. این چرخه، فرد با اعتماد به نفس پایین را به قربانی آسان و مطیع تبدیل می‌کند، زیرا او به جای حل ریشه‌ای مشکلاتش، به دنبال راه‌حل‌های فریبنده و آسان‌تری می‌گردد که تنها جیب کلاهبرداران را پر می‌کند و زخم‌های روحی او را عمیق‌تر می‌سازد.

قربانیان این جرایم، چه از نوع کلاهبرداری مالی و چه آزار، حق دارند برای احقاق حقوق خود اقدام به طرح شکایت کنند. هرچند این فرآیند ممکن است دشوار به نظر برسد، اما با آگاهی از مراحل و نهادهای ذی‌ربط می‌توان به نتیجه رسید. هرچه مدارک قوی‌تر باشد، روند اثبات جرم و پیگرد متهم آسان‌تر خواهد بود. این مدارک می‌تواند شامل اطلاعات هویتی متهم، اسناد مالی مانند رسیدهای بانکی، پیام‌ها و مکاتبات حاوی وعده‌ها یا تهدیدات، فایل‌های صوتی و تصویری، شهادت شهود، و در صورت وقوع آزار، گواهی پزشکی قانونی باشد. قربانی باید با در دست داشتن مدارک به دادسرای محل وقوع جرم یا محل سکونت متهم مراجعه و شکوائیه خود را ثبت کند.

۵. آسیب‌های روحی و روانی ناشی از اعمال علوم غریبه: قابلیت شکایت کیفری

مراجعه به مدعیان و فعالان علوم غریبه، علاوه بر ضررهای مالی و تعرضات جنسی، می‌تواند آسیب‌های روحی و روانی عمیقی را بر قربانیان تحمیل کند. این آسیب‌ها، که اغلب نامرئی هستند، می‌توانند زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد را مختل کرده و حتی به اختلالات روانپزشکی جدی منجر شوند. هرچند قوانین کیفری به طور مستقیم به "آسیب روحی ناشی از علوم غریبه" اشاره نمی‌کنند، اما با تحلیل دقیق مواد قانونی موجود و تفسیر موسع آنها، می‌توان قابلیت شکایت کیفری برای برخی از این آسیب‌ها را مورد بررسی قرار داد.

۵-۱. انواع آسیب‌های روحی و روانی ناشی از اعمال علوم غریبه

آسیب‌های روحی و روانی ناشی از اعمال مدعیان علوم غریبه، طیف وسیعی را در بر می‌گیرد و می‌تواند به اشکال مختلفی بروز کند. اضطراب و استرس شدید از طریق وعده‌های دروغین یا تهدیداتی مانند "طلسم‌شدگی" یا "جن‌زدگی" ایجاد می‌شود. وقتی فرد با وجود پرداخت‌های

مالی نتیجه‌ای نمی‌گیرد، دچار افسردگی و ناامیدی شدید می‌شود. احساس فریب‌خوردگی، از دست دادن پول و عدم توانایی در حل مشکلات، او را به ورطه یاس و گوشه‌گیری می‌کشاند. قربانیان اغلب احساس شرم، خجالت و گناه می‌کنند که چرا فریب خورده‌اند که این احساسات، اعتماد به نفس آن‌ها را به شدت کاهش داده و منجر به خودسرزنش‌گری می‌شود. برخی مدعیان با تلقین اینکه "دیگران در صدد آسیب رساندن هستند" یا "اجنه شما را دنبال می‌کنند"، می‌توانند در فرد سوءظن شدید (پارانویا) نسبت به اطرافیان ایجاد کنند و حتی در موارد شدیدتر، تلقینات مداوم می‌تواند منجر به بروز توهمات یا روان‌پریشی شود. این آسیب‌های روحی همچنین می‌توانند به روابط بین‌فردی و اجتماعی فرد با خانواده و دوستان آسیب بزنند و منجر به انزوای طلبی و قطع ارتباط با محیط اجتماعی شوند. استرس و اضطراب مداوم ناشی از این فریبکاری‌ها، اغلب منجر به اختلالات خواب و تغذیه می‌شود که به نوبه خود بر سلامت جسمی و روانی فرد تأثیر می‌گذارد. در موارد بسیار حاد و در اوج ناامیدی و فشار روانی، برخی قربانیان ممکن است افکار یا اقدام به خودکشی داشته باشند.

این آسیب‌ها نه تنها کیفیت زندگی فرد را به شدت پایین می‌آورند، بلکه می‌توانند سال‌ها ادامه داشته باشند و نیاز به مداخلات روانشناختی و حتی روانپزشکی داشته باشند.

۵-۲. قابلیت شکایت کیفری در قوانین ایران

در قوانین کیفری ایران، آسیب‌های روحی و روانی به طور مستقیم و مستقل تحت عنوان "جرم" شناخته نمی‌شوند، مگر اینکه منشأ آن‌ها یک فعل مجرمانه مشخص باشد. این قبیل آسیب‌ها تحت عنوان خسارت معنوی خوانده می‌شوند. خسارت معنوی عبارت است از جریحه‌دار کردن و لطمه زدن به بعضی از ارزش‌ها که جنبه‌ی معنوی دارد (عبدالحمید، ۱۳۴۹، ۹).

مطالبه‌ی خسارت معنوی در حقوق ایران قبل از پیروزی انقلاب جایز بوده و در قوانین مختلفی مانند قانون مجازات عمومی، قانون صدور چک، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مسئولیت مدنی به لزوم جبران آن تصریح شده بود. لیکن بعد از پیروزی انقلاب این امر محل تردید واقع شد. کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی سابق، مطالبه‌ی زیان معنوی را فاقد مجوز شرعی اعلام کرد. شورای نگهبان هنگام بررسی قانون مطبوعات ۱۳۶۴ تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مزبور را که جبران مادی خسارت معنوی را پیش‌بینی کرده بود مغایر موازین شرعی دانست. از طرفی، اصل ۱۷۱ قانون اساسی خسارت معنوی را قابل مطالبه اعلام کرد و از طرف شورای نگهبان نظریه‌ی تفسیری در خصوص این اصل که ضرر معنوی را قابل مطالبه نداند وجود ندارد. اداره‌ی حقوقی دادگستری نیز در رأی مشورتی خود مطالبه‌ی ضرر و زیان معنوی را قانونی دانست. دادگاه‌ها نیز در موارد مختلف به لزوم جبران خسارت معنوی رأی داده‌اند. از قاعده‌ی لاضرر نیز می‌توان به لزوم جبران چنین خسارتی حکم کرد. قوانین مصوب قبل از انقلاب نیز که مطالبه‌ی خسارت معنوی را جایز می‌دانند با توجه به این که مغایرت آن‌ها با موازین شرعی از سوی شورای نگهبان اعلام نشده است همچنان به اعتبار خود باقی هستند. از ماده‌ی ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ که جایگزین ماده ۹ قانون

آیین دادرسی کیفری سابق شده و هیچ اشاره ای به قابل جبران بودن خسارت معنوی نکرده است، نمیتوان نسخ قانون مسؤولیت مدنی را استفاده کرد. چون ممکن است قصد قانونگذار این بوده باشد که با وجود قانون مسؤولیت مدنی که قانون ماهوی است، نیازی به ذکر آن در قانون آیین دادرسی کیفری که یک قانون شکلی است، نیست (اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۲، ۱۳).

به نظر می‌رسد که می‌توان از طریق انطباق این آسیب‌ها با جرایم موجود یا اثبات رابطه سببیت میان عمل مجرمانه و آسیب روحی، قابلیت شکایت کیفری را بررسی کرد. البته اینکه کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع اصلی‌ترین موردی است که آسیب‌های روحی و روانی ناشی از آن (مانند از دست دادن سرمایه، احساس فریب‌خوردگی، ناامیدی از حل مشکلات) می‌تواند به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم در نظر گرفته شود. قربانی می‌تواند علاوه بر درخواست مجازات کیفری برای کلاهبرداری، مطالبه ضرر و زیان مادی و معنوی، شامل هزینه‌های درمان روانشناختی، را در قالب دعوای حقوقی و در همان پرونده کیفری مطرح کند.

اگر مدعی علوم غریبه با تهدید به افشای اسرار یا تهدید به آسیب رساندن به فرد یا خانواده‌اش از طریق "جادو"، باعث ایجاد ترس، اضطراب و آسیب روحی در قربانی شود، این عمل به خودی خود جرم تهدید است و قابل پیگرد کیفری است.

در مواردی که آزار و اذیت جنسی یا اعمال منافعی عفت از سوی مدعی علوم غریبه رخ می‌دهد، آسیب‌های روحی و روانی (مانند تروما، اضطراب پس از سانحه، افسردگی، و احساس شرم و گناه) از پیامدهای مستقیم این جرایم هستند. در این حالت، مجرم به دلیل ارتکاب جرم اصلی مجازات می‌شود و آسیب‌های روحی به عنوان عوارض جرم اصلی در نظر گرفته می‌شوند.

اگر مدعی علوم غریبه با ادعای درمان بیماری‌های روحی و جسمی، با روش‌های غیرعلمی و بدون مجوز در امور درمانی دخالت کند، این عمل جرم دخالت در امور پزشکی و درمان غیرمجاز است و در صورتی که باعث تشدید بیماری روحی یا جسمی بیمار گردد، می‌توان این تشدید را به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم، قابل مطالبه دانست.

ماده مربوطه در قانون آیین دادرسی کیفری نیز به شاکی حق می‌دهد که "جبران کلیه ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از جرم" را مطالبه کند. "ضرر و زیان معنوی" دقیقاً شامل آسیب‌های روحی و روانی است که به دلیل وقوع جرم به فرد وارد شده است. اثبات این ضرر و زیان و تعیین میزان آن معمولاً با ارجاع به کارشناس متخصص و با توجه به شدت آسیب و تأثیر آن بر زندگی قربانی صورت می‌گیرد.

نتیجه گیری

اعمال مرتبط با علوم غریبه، به‌ویژه فعالیت‌هایی که منجر به تحصیل مال غیر یا اعمال کاذب می‌شود، به دلیل ماهیت غیرطبیعی و برخلاف قوانین صحیح، هم از نظر شرعی و هم از منظر قانون، ممنوع و حرام اعلام شده است. زیرا این علوم، ذاتاً بر اصول و قوانینی استوار نیستند که در قوانین طبیعی و مادی جهان جای گیرند و تبدیل به ابزارهای کلاهبرداری و فریب مردم می‌شوند؛

۶۵ مسئولیت کیفری صاحبان علوم غریبه (زینب سیاحی بنی طرفی، عبدالباری جوانمرد زاده، رحیم سیاح)

از این رو، در صورت استفاده، مسئولیت کیفری بر عهده صاحبان این علوم قرار گرفته و آنان باید پاسخگوی اعمال خود باشند. علاوه بر این، در مواردی که آسیب‌های جبران‌ناپذیر یا جرایمی مانند قتل در اثر اقدامات مرتبط با این علوم رخ دهد، دیگر تنها مجرم اصلی در دادگاه‌ها مورد تعقیب قرار می‌گیرد و نقش صاحبان این علوم غالباً نادیده گرفته می‌شود، هرچند که عمل آنها نیز در چارچوب جرایم جزایی قرار دارد. این رویکرد قانونی و فقهی نشان می‌دهد که استفاده از علوم غریبه، چه به‌عنوان روش‌های کسب مال و چه در اعمال دیگر، با توجه به ماهیت غیر طبیعی و اثرات سوء آن، از سوی شریعت و قانون نه تنها ممنوع بلکه معیوب و مجرمانه تلقی می‌شود و مسئولیت کیفری صاحبان این علوم، به عنوان عاملان و مجریانی که سبب ضرر و فساد می‌شوند، در راستای حفظ امنیت و سلامت اجتماعی، امری ضروری و لازم است. در فقه و حقوق اسلامی، مسئولیت کیفری صاحبان علوم غریبه بر پایه چندین اصل و قاعده محکم بنا شده است. این فعالیت‌ها، از نظر شرعی حرام و ناپسند تلقی می‌شوند و اغلب مصادیقی از اکل مال به باطل (خوردن مال به ناحق) هستند که صراحتاً در آیات قرآن نهی شده است. از جمله موارد جرم‌انگاری شده، می‌توان به کلاهبرداری اشاره کرد، جایی که این افراد با استفاده از حیل و تقلب، مانند ادعای توانایی‌های ماورایی، فال‌گیری، جن‌گیری و یا نمایش‌هایی با وسایل متقلبانانه نظیر سنگ و استخوان، مردم را فریب داده و مالشان را می‌برند. این عمل، حتی اگر با رضایت ظاهری قربانی صورت گیرد، به دلیل فریب‌کاری، همچنان جرم محسوب می‌شود. بر اساس قاعده "التعزیر لکل عمل محرّم"، هر فعالیتی که در شرع حرام شمرده شود و حدی برای آن تعیین نشده باشد، مستوجب تعزیر (مجازات‌های ارشادی و تأدیبی با تعیین حاکم) است. از منظر قاعده مصلحت نیز، فعالیت‌های مرتبط با علوم غریبه، به دلیل ایجاد آشوب، فریب مردم، انحرافات اخلاقی و اقتصادی، و کاهش اعتماد عمومی، با مصالح فردی و اجتماعی در تضاد هستند و بنابراین قابل پیگرد و مجازات می‌باشند. همچنین، در صورتی که این فعالیت‌ها منجر به ایراد ضرر و زیان مالی شوند، صاحبان آن طبق قاعده اتلاف و تسبیب (تلف کردن و سبب شدن)، مسئول جبران خسارت خواهند بود. اگر این اقدامات به آسیب‌های جانی یا روانی منجر شود، بر اساس قاعده "لا یبطل دم امرء مسلم" مسئولیت کیفری متوجه این افراد خواهد بود، چرا که حفظ جان و امنیت افراد، از اصول بنیادی اسلام است. اصل جبران کامل خسارت نیز تأکید دارد که هرگونه ضرر و زیان مالی یا روانی وارده باید به طور کامل جبران شود. در نهایت، عقل سلیم نیز حکم می‌کند که هر فردی با آگاهی و اختیار به عملی که منجر به ضرر و فساد در جامعه می‌شود دست زند، باید مسئول و پاسخگوی پیامدهای آن باشد و مجازات شود. در خصوص تأثیر مراجعه خود افراد در ورود ضرر نسبت به آنان از سوی صاحبان علوم غریبه، باید گفت که گرچه فریب‌خوردگی قربانی ناشی از اعمال متقلبانانه فرد کلاهبردار است و مجرم را از مسئولیت معاف نمی‌کند، اما مراجعه افراد به این مدعیان، غالباً بستری برای سوءاستفاده فراهم می‌کند. افرادی که با مشکلات زندگی روبرو هستند و توانایی حل آن‌ها را در خود نمی‌بینند، یا در تصمیمات و روابط خود دچار تردید هستند، به دلیل عدم اعتماد به نفس و ضعف روحی و روانی، بیشتر در معرض وعده‌های فریبنده و راه‌حل‌های

به ظاهر آسان و ماورایی قرار می‌گیرند. این آسیب‌پذیری روانی، عاملی است که مدعیان علوم غریبه از آن بهره‌برداری می‌کنند. ترس از آبروریزی، شرم یا تهدیدات متجاوز نیز می‌تواند باعث تردید قربانیان در افشاگری و همکاری با مراجع قضایی شود و اثبات جرم را دشوار سازد. با این وجود، حتی اگر قربانی به دلیل باورهای خرافی یا عدم آگاهی، به ظواهر فریب‌دهنده تن در دهد، این امر به هیچ وجه از مسئولیت کیفری صاحبان علوم غریبه که عامدانه و با قصد مجرمانه اقدام به فریب و اکل مال به باطل کرده‌اند، نمی‌کاهد. پیشنهاد می‌شود که با فرهنگ سازی به جای اعمال مجازات و تقویت باورهای دینی مردم، زمینه‌ای فراهم گردد که افراد به جای اتکاء به ادعاهای غیرعلمی، به مراجع علمی و متخصصان مجاز و معتبر مراجعه کرده و در زندگی خود بر اساس دانش صحیح و راهنمایی‌های موثق حرکت نمایند؛ این اقدام نه تنها سلامت جسم و روح آنان را تضمین می‌کند، بلکه مسیر رشد و پیشرفت جامعه را نیز هموار می‌سازد و از تکرار اشتباهات و اتلاف وقت و سرمایه جلوگیری می‌نماید.

منابع

- [۱] آهنگران، مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری فالگیری و رمالی در فضای مجازی، مجله فقه، حقوق و علوم جزا، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۳۹۸، صفحات ۲۰-۱۰.
- [۲] اصغری آقمشهدی، فخرالدین، جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال سوم، شماره نهم و دهم، ۱۳۸۲، صفحات ۴۸-۳۱.
- [۳] انوری، حسن و همکاران، فرهنگ فشرده سخن، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۸.
- [۴] حاجی حسنی دره سوری، کرامت، مروی بر مفهوم اعتماد به نفس و راهکارهای افزایش آن در دانش‌آموزان، مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال پنجم، شماره ۵۰، ۱۴۰۱، صفحات ۹۳-۱۰۴.
- [۵] حاجی ده آبادی، احمد، اعتمادی، امیر، اخاذی در حقوق کیفری ایران و انگلستان، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره چهارم، ۱۳۹۴، صفحات ۵۶-۳۱.
- [۶] رایجیان اصلی، مهرداد، زکوی، مهدی، بزه دیدگان خاص در پرتو بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- [۷] سامانه ملی آراء قضایی، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۴/۵/۸، قابل دسترسی در آدرس زیر: <https://ara.ir/Judge/Text/30094.ac.jri>
- [۸] شمس، شهرزاد، جادو و جادوگری در رابطه با حقوق جزاء، دانشگاه تهران، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، ۱۳۶۳.
- [۹] عبدالحمید، ابوالحمد، تحولات حقوق خصوصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.

۶۷ مسئولیت کیفری صاحبان علوم غریبه (زینب سیاحی بنی طرفی، عبدالباری جوانمرد زاده، رحیم سیاح)

- [۱۰] عبدالله پور حسینی یحیی پور، اکرم، جرم کلاهبرداری و ارکان تشکیل دهنده آن، ماهنامه حقوقی، فرهنگی دادرسی، شماره ۱۰۰، ۱۳۹۲.
- [۱۱] علی اصغرزاده، فاطمه، جایگاه افشا سرّ در قانون مجازات اسلامی، فصلنامه اندیشه حقوقی، سال دوم، شماره ششم، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۳۶-۱۶.
- [۱۲] فرح بخش، مجتبی، تأملی در رکن مادی کلاهبرداری و تحصیل مال به طریق نامشروع، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۳۰۰-۲۸۳.
- [۱۳] نیک نژاد، علی و همکاران، بررسی خشونت جنسی علیه زنان در حقوق کیفری ایران و انگلستان، نشریه آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، سال سوم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۴۲-۱۲۲.